

در هر دو حال باید تمام سرنشینان و اسناد و اوراق کشتی را بنابر بازرسی حمل نموده و در هر مقام نیز بتواند ادعای خود بر صحت و مشروعیت انهدام را ثابت کند و الا مسئول خسارات وارده خواهد بود بدون آنکه هیچ ارتباطی با حق بازرسی و مشروعیت آن داشته باشد.

حال اگر نتیجه بازرسی منتهی به شسف کالای قاچاق در کشتی بیطرف گردید در اینجا نیز ممکن است دو حالت پیش آید: یا کالای قاچاق از حیث کمیت و کیفیت زیاد نبوده و شایان اهمیت نیست بعبارة دیگر ارزش توقیف کشتی را ندارد در این صورت بازرسی حق دارد انهدام یا تسلیم کالا را بخواهد و اگر کالای قاچاق موجود که در کشتی شایسته اهمیت است کشتی را به بندرگاه برده موضوع در دادگاه ضبط قاچاق که مرحله واقعی قضات در اطراف صحت و سقم قضیه است مطرح میشود.

دکتر ع - اخوی

او کمک میکند در کشتی بیطرف یافت شود کشف میگردد - ولی بطور کلی گاه ممکن است در اثر این بازرسی معلوم شود خود کشتی نیز متعلق بکشور متخاصم است و باین طریق دو مورد در بازرسی دریائی پیش میآید که دارای اثرات حقوقی خاصی است:

۱ - کشف کالای جنگی در کشتی بیطرف
ب - کشف اینکه خود کشتی نیز متعلق بدشمن است در صورت اول باید فرق داد بین کالای جنگی موجوده در کشتی و کالای غیر جنگی و خود کشتی که متعلق بکشور بیطرف است.

چنانچه کشف شد کشتی از آن دشمن است در اینحال ضبط با انهدام آن بسته بقضات ناوروان بازرسی است ولی در صورتیکه محقق شد کشتی متعلق بکشور بیطرفی است انهدام آن بهیچوجه جایز نیست مگر آنکه موجب خطر برای خود بازرسی باشد یا عملیات بازرسی او را عقیم کند

نزاع مالکیت برای مصلحت عمومی

در حقوق اسلامی و حقوق فرانسه

آنجائیکه در نظر شارع اسلام مصلحت عمومی بر مصلحت خصوصی همیشه مزیت و نفوذ داشته در هر موردی که این دو مصلحت با هم تعارض پیدا کرده مصلحت خاصه را ترك و مصلحت عامه را رعایت نموده اند. در حقوق اسلامی احکام زیادی روی این اصل دیده میشود و از آن جمله است: اجبار شخص ممنوع از ادای حقوق واجبه بفروش اموال در صورتیکه برای استیفای این حقوق راه دیگری وجود نداشته باشد و اجبار مالك زمین ملاصق مسجد بفروش آن در صورتیکه توسعه مسجد ضرورت داشته باشد و راه دیگری برای توسعه آن جز تصرف همان زمین موجود نباشد و اجبار صاحب زمین ملاصق بشارع عام بفروش آن در صورتیکه توسعه شارع مورد احتیاج بوده و چاره جز تصرف همان

چنانچه میدانیم از شرایط نفوذ معامله یکی این است که رضای طرف برای انجام معامله رضای حقیقی و واقعی باشد نه رضای حاصل از اکراه. معامله که در نتیجه اکراه وقوع یافته باشد نافذ نیست ولی هرگاه شخص مکره پس از ژوال اکراه آنرا تنفیذ کند معامله صحیح شناخته خواهد شد (ماده ۱۹۹ قانون مدنی) عدم نفوذ معامله شخص مکره در حقوق اسلامی مبانی بسیار مستحکمی دارد (۱) ولی از

(۱) یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم الخ سورة النساء
لا یحل مال امری مسلم الا عن طیب نفسه (حدیث نبوی)
عن ابی الحسن ع الرجل یستکره علی الیمین فیحلف بالطلاق والعاقب و صدقه ما یملک ابلزمه ذلك؟ فقال ص لا قال رسول الله:
وضع عن امتی تسع ومنها ما اکرهوا علیه (صحیححه بزنی)

زمین برای توسعه موجود نباشد و اجبار متحکر (۱) بفروش
 ارزاق عمومی و امثال و نظایر آن که در تمام صور مذکوره
 تنفيذ معامله بدون رضای تابع مبتنی بر تفوق و تقدم مصلحت
 عمومی و عدم توجه بر رعایت مصلحت خصوصی میباشد معروف
 است توسعه مسجد الحرام در نظر خلیفه ثانی عمر بن خطاب
 امر لازمی بود و تصرف بیواتات اطراف مسجد هم برای توسعه
 آن ضرورت داشت ولی مالکین خانه ها با استناد الناس
 مسلطون علی اموالهم از فروش املاک خود امتناع داشتند
 بامر خلیفه خانه های مورد احتیاج را خراب کرده داخل
 مسجد کردند و قیمت آنها را در بیت المال امانت گذاشتند
 تا مالکین خانه ها ثمن معامله را تحویل بگیرند

مصلحت دینی است یا دنیوی

مصلحت عمومی ممکن است دینی باشد یا دنیوی ولی
 در هر دو صورت مصلحت خصوصی ترجیح و اولویت دارد.

اهمیت عمران و آبادی در صدر اسلام

در صدر اسلام مسایل مربوطه به عمران و آبادی و
 توسعه شوارع و خیابانها بسیار مورد توجه بود وقتی که
 خلیفه ثانی امر به بنای شهر کوفه و بصره در عراق عرب داد
 اندازه و سمت طرق و شوارع را نیز معین نمود. ابن جریر
 طبری در تاریخ خود مینویسد: « همیشه به بنای شهر کوفه
 تصمیم اتخاذ شد سعد به ابی الهیاج نامه نوشت و در آن بنامه
 خلیفه عمر راجع بطرق و شوارع نیز اشاره نمود و تذکر داد
 که خلیفه عرض طرق و شوارع را بطریق زیر معین
 نموده است:

۱- شوارع بزرگ چون ذراع

(۱) امیر مؤمنین علی بن ابی طالب ع در نامه خود بمالك

اشتر مینویسد:

« فامنع من الاحتکار فان رسول الله منع منه ولیکن
 البیع سمحاً بموازين عدل و اسعار و لا تحجف بالفریقین من
 البایع و المتبایع فمن قارف حکره بعد نهیک اياه فنکل به
 و عاقب من غیر اسراف »

۲- شوارع متوسط سی ذراع

۳- شوارع کوچک بیست ذراع

۴- کوچکها هم لا اقل باید هفت ذراع عرض

داشته باشند.

آئین دادرسی

در حقوق اسلامی راجع بساین موضوع برای فصل
 خصومت نیز طریقه و ترتیبی معین شده است همیشه محرز
 شد که تصرف فلان محل برای فلان مصلحت عمومی
 ضرورت دارد عامل محل بوسیله حاکم مراتب را بصاحب
 زمین اعلام میکنند هرگاه مالک طوعاً بفروش ملک حاضر
 شد و در قیمت هم تراضی بعمل آمد قضیه تمام است و گرنه
 دعوی نزد حاکم طرح میشود حاکم عقیده کارشناسان را راجع
 باینکه در فلان محل احداث خیابانی (تعیین طول و عرض خیابان)
 ضرورت دارد در راجع باینکه احداث یا توسعه خیابان بدون تصرف
 و ادخال فلان زمین ممکن نیست و همچنین راجع بقیمت
 زمین مورد لزوم استماع میکنند و شهادت شهود هم رسیدگی
 می نمایند و حکم خلع ید میدهد و ثمن در محلی مناسب
 ابداع می شود که مالک هر وقت بخواهد آنرا تحویل بگیرد.

حقوق فرانسه

قانون ۳ مه ۱۸۴۱ که بعداً اصلاحاتی در آن
 بعمل آمده برای نزع ملکیت قواعد و ترتیباتی معین می کند.
 اموالی که ممکن است مشمول قانون نزع ملکیت
 واقع شود - فقط اموال مختصه با افراد را میتوان مشمول
 مقررات نزع ملکیت قرارداد و بنا بر این نسبت با املاک بخشها
 و شهرداری ها و امثال و نظایر آن نمیتوان درخواست
 نزع ملکیت نمود. برای اموال منقوله مقررات دیگری وجود
 دارد و بنا بر این اموال نامبرده تابع مقررات نزع ملکیت
 نخواهد بود. حقوق راجع با اموال غیر منقول نیز قابل نزع
 نیست ولی باید حق مستاجر و عامل مسافه را از این قاعده
 استثناء نمود که در حقوق فرانسه این در حق قابل نزع
 میباشد و ممکن است با تبعیت از اصل رقبه و یا مستقلاً (در
 صورتیکه رقبه بدون احتیاج بقانون نزع ملکیت در تصرف
 دولت باشد) نزع گردد.

املاك غائبين مفقود الاثر و اشخاص غير بالغ و كسان ديگر كه فاقد اهليت ميباشند. نيز مشموله مقررات اين قانون ميباشد. املاك خاصه دولتي و تمام املاك متعلقه به افراد اعم از اينكه مالك از اتباع داخله باشد يا خارجه. قابل نزع ميباشد ولي املاكى كه بر طبق قوانين بين المللي املاك دول خارجه ميباشد مانند سفارتخانه ها و غيره قابل نزع نميباشد. حق انتفاع و حق ارتفاق مستقلا قابل نزع نيست و خسارت مربوطه باین دو حق ضمن تعيين خسارت ناشی از نزع اصل ملك معين ميشود. هرگاه دولت مالك رقبه باشد كه حق انتفاع از آن بعنوان عمرى و غيره متعلق بشخص ديگر باشد در اينصورت ميتوان اين حق را نزع نمود.

حق نزع از معادن

در موقع ضرورت ممكن است نسبت بمعادن و خزايں زير زمينى هم نزع ملكيت درخواست نمود (مثلا براى ساختن تونل) ولي حق انتفاع از معادن قابل نزع قانونى نيست و ضرر و زيان از سلب اين حق در موقع تعيين خسارت نزع ملكيت زمين معين ميشود معادنى كه از طرف دولت به اشخاص واگذار شده بمنزله اموال خاصه مى باشد و دولت مى تواند با طريق نزع ملكيت آنها را مجدداً تصرف نمايد.

تراضى طرفين

نظر قانونگذار فرانسه هميشه اين است كه دولت قبل

از توسل بقانون نزع ملكيت با صاحبان املاك مذاكره كند. و حتى المقدور آنها را قانع نمايد كه با رضا و رغبت خود ملك مورد احتياج را بدولت بفروشند و بنا بر اين ناموقع صدور حكم راه براى مذاكره و تراضى باز مى باشد ممكن است هم در اصل معامله و هم در قيمت آن موافقت حاصل شود ولي در تاريخ تسليم مبيع بين طرفين اختلافى باشد و ممكن است قيمت و يا اينكه اصل معامله مورد اختلاف باشد در هر صورت در مراجع رسمى فقط بقسمت مورد اختلاف رسيدگى ميشود.

هرگاه تراضى بعد از اخطار بمالك زمين بعمل آمده باشد قرارداد داراى تمام آثارى خواهد بود كه از حكم نزع ملكيت حاصل ميشود و عبارت ديگر در نتيجه اين قرارداد: ملك عارى از تمام قيود مربوطه بحقوق عينى و انتفاعى بعد دولت انتقال مى يابد. ولي اگر تراضى قبل از اخطار حاصل شده باشد معامله معامله عادى محسوب ميشود و دولت براى نزع حقوق نامبرده بجزى الحقوق بايد رجوع كند.

در مقاله ديگر از قانون راجع باحداث و توسعه خيابانها مصوب ۲۳ آبانماه هزار و سيصد و دوازده و قوانين و مقررات نزع ملكيت در فرانسه و بلژيك بحث خواهيم نمود. و حداث.

دنباله شماره پيش

شرایط تشکیل عقد نکاح (۱)

مقایسه بین فقه اسلامی - حقوق ایران - حقوق فرانسه

اشتباه

برای اینکه اشتباه رضا را معلول کند ولی موجب

(۱) راجع باین موضوع در شماره های ۱۸ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۵ (سال دوم) و شماره های ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ (سال سوم) مقالاتی با مضاء دکتر م. امیر یوسف منتشر گردیده است.

II - اشتباه موجب معلول بودن رضا

در شماره پیش گفتیم که سه نوع اشتباه وجود دارد اشتباه رافع قصد و رضا - اشتباه موجب معلول بودن رضا - و اشتباه بلا اثر.